

پ: ۸۵/۹/۱۱

میرزا نصرت قوچانی طبیب  
(ح ۱۲۵۳ - ح ۱۳۲۵ ه.ق)

پرویز اذکائی\*

چکیده

دکتر حفظ الملک قوچانی از پزشکان ناماور عصر ناصری، یکی از حلقات اصلی واسط بین طب قدیم و طب جدید، و از پیشگامان پزشکی نوین در ایران می‌باشد. آثار طبّی وی تماماً به صورت خطّی، و اغلب آنچه در کتابخانه مرکزی دانشگاه بوعلی سینای همدان (۱۰ کتاب) محفوظ است، دستنوشته خود او باشد که ذیلاً فهرست‌وار برحسب ترتیب تاریخی یاد خواهد شد. شرح توصیفی و مبسوط درباره هر یک از آنها تحت شماره‌های ثبت (در فهرست توصیفی نسخه‌های خطّی کتابخانه) خواهد آمد.

کلیدواژه: میرزا نصرت قوچانی طبیب، طب قدیم، طب جدید.

الف. احوال

طبیب عارف و حکیم شاعر، دکتر علی‌نقی خراسانی حفظ الملک «نصرت قوچانی»

\*. عضو مشاوران علمی فصلنامه آینه میراث (همدان).

حافظ الصحهٔ تهرانی، که در میان همگنان بکلی ناشناخته و گمنام مانده، حال آن که نه تنها از حلقه‌های اصلی واسط بین طب قدیم و طب جدید است، بل همانا از پیشگامان پزشکی نوین در ایران دوران معاصر بشمار تواند رفت. وی، چنان که خود گوید: «قوچانی الاصل و طهرانی المسکن» بود، نیاکانش بیشتر در معدن فیروزه نیشابور متوطن بوده‌اند، تا آن که رضاقلی خان ایلخانی کُرد زعفرانلو حکمران قوچان (۱۲۳۱ - ۱۲۴۹ ق) ایشان را از آنجا به قوچان کوچانیده است. میرزا نصرت (علی نقی) حدود سال ۱۲۵۳ ه.ق در آن شهر زاده شد، خود وی در شرح صداع شقیقه گوید:

بنده که مترجم این اوراقم (در ۱۳۱۶ ق) مدت ۵۵ سال است (از ۱۲۶۱ = ۵۵-۱۳۱۶) که دچار این قسم صداع می‌باشم، از سن ۸ سالگی (- تولد ۱۲۵۳ = ۸-۱۲۶۱) به خاطر دارم در دسرهایی که مرا دچار می‌شد، و اسبابی که مایهٔ بروز او می‌شد....

آنگاه مقدمات ادبی را در مدرسه «عوضیه» قوچان فراگرفت، سپس به شهر مشهد رفت، چند سالی در آنجا علوم ریاضی و طبیعی، هیأت و حکمت آموخت. پس از آن به سبزوار رفت، و حکمت الهی را نزد حکیم نامدار حاجی ملاهادی سبزواری (م ۱۲۸۹ ق) تحصیل کرد، و ظاهراً به سال ۱۲۸۰ ه.ق، چنان که خود گوید در ۲۸ سالگی به تهران آمد، و در آنجا نیز علوم هیأت و نجوم و طب را در نزد استادان بیاموخت، و بسا که از همان سال (۱۲۸۰) در مدرسه دارالفنون پذیرفته شد، «علوم جدید را از حساب و هندسه و هیأت و نجوم و طبیعی و تشریح (، جراحی) و طب و زبان فرانسه حاصل نمود.» [طرایق الحقایق، ج ۳، ص ۶۶۸].

استادان وی در پزشکی نوین (فرنگی)، یکی دکتر طولوزان فرانسوی (۱۸۲۰ - ۱۸۹۷ م) - طبیب مخصوص ناصرالدین شاه قاجار، دوم میرزا رضای دکتر علی‌آبادی (متوفای ۱۲۹۴ ق) و دیگر حکیم شلیمر فلمنکی / هلندی (متوفای ۱۸۸۰ م / ۱۲۹۷ ق) بودند. فراغت وی از تحصیل در مدرسه دارالفنون، علی‌الظاهر به سال ۱۲۸۶ ق بود، که هم پس از آن در محکمه طبّی آنجا اشتغال می‌داشت، تا آن که در سال ۱۲۹۰ ق «مریضخانه دولتی» به ریاست دکتر میرزا علی اکبرخان نفیسی ناظم‌الاطباء (م ۱۳۴۲ ق / ۱۳۰۳ ش) دایر شد، و میرزا نصرت قوچانی به طبابت در آن مریضخانه منصوب گردید. خود وی در تضاعیف کتابهایش گفته:

کمترین در عهد جوانی ترک وطن مألوف نموده، و در این خطهٔ مینونشان

[تهران] مسکن گرفتیم، به بینوایی ساختیم، و با بی‌برگی بسر بردم، مدّت سی سال در این مدرسه خالی از وسوسه [دارالفنون] تحصیل نمودم، دیدم آنچه دیدم، و شنیدم آنچه شنیدم. در این مدّت هر معلّمی در هر علمی که وارد این دارالحکم گردید، بنده اوّل تلامذه او بودم، به قدر قوه چیزی از او فهمیدم، تمام را ضبط و ثبت نمودم.... [خمسّه ۲، ص ۴].

و مکرّر کرده است که:

مصنّف این اوراق اکنون ( ۱۳۱۴/۱۳۱۵ ق) مدت ۲۴ / ۲۵ سال در مریضخانه مبارکه دولتی و مطبّ مدرسه دارالفنون از روی بصیرت همه روزه مشغول معالجه پنجاه نفر مریض است. در این مدّت، قریب پانصد هزار دفعه مریض دستورالعمل داده است، و نه هزار طفل به دست خود آبله کوبیده است... (خمسّه ۱، ص ۱۱)... سوای آنکه در سفر و در حضر، در چندین سال زندگی مشغول معالجه طبّی و جراحی و کحالی بوده‌ام / سنه ۱۳۲۰ ق [خمسّه ۲، مقدمه].

دکتر میرزا نصرت قوچانی علاوه از فنّ طبابت، در شعر و شاعری هم دستی داشته، گویا تذوّق یا طبع آزمایی در این رشته عاده با مسلک عرفانی ملازم است، چنانکه معصومعلی شاه شیرازی (نایب الصدر) به تفصیل و تبجیل از این بابت یاد نموده، از جمله گوید که:

در اواخر سال ۱۳۰۹ ق، علی قلی خان مخبرالدوله وزیر علوم بیرون دروازه دولت (تهران) متصل به باغ مخبرآباد، طرح عمارت و خانقاه به نام [پدر] نامه‌نگار [-رحمتعلی شاه پدر معصومعلی شاه] بنا فرمود و به اتمام رسید. پس عارف سامی میرزا نصرت خان طبیب حبیب، که از پزشکان نامی و درست برآمدگان مدرسه دارالفنون است، قصیده در وصف آنجا انشاء نموده، بعضی از اشعارش این است:

به ساعتی خوش و روزی مبارک و دلشاد

مهندس فلکی طرح این حدیقه نهاد

هزار و سیصد و ده سال رفت از هجرت

که «رحمتیه» شد از رحمت خدا آباد

.....

به دستگیری فخر دُول وزیر علوم

کزو کنند وزیران همیشه استمداد

به پور حضرت رحمتعلی به رسم نیاز  
که خانقاه نماید برای اهل رشاد  
کمینه «نصرت» بیدل ز روی خواهش طبع  
به ساعتی بنمود این قصیده را انشاد.

[طرایق الحقایق، ج ۳، ص ۵۹۴].

میرزا نصرت طبیب در امر طریقت از جمله مریدان فقیر محمد علی قوچانی (۱۲۵۵ - ۱۳۱۶ ق) بود، چنان که باز نایب‌الصدر یاد کرده است:

روز ۲۴ ربیع الاول ۱۳۱۶ در قلعه شمیران طهران بودم که تلگراف رسید،  
فقیر محمدعلی (خبوشانی) به رحمت ایزدی پیوسته، از خواص مریدان (او)  
یکی میرزا نصرت خان طبیب حافظ الصحه قوچانی است، که ترجمه وی به  
عبارت منقول از خط آنجناب به عین آورده می‌شود... (الخ). این غزل که در  
مدح فقیر محمد علی است از دیوان او آورده شد:  
هر که چون تو پای تا سر، فانی فی الله نیست  
از بقای جاودانی هیچ‌گه آگاه نیست

.....

نصرتا تا دست داری پا مکش از کوی دوست

عمر اگر کوتاه بود، دست طلب کوتاه نیست

(همان، ص ۶۶۸ و ۶۶۹).

کتاب گرانمایه طرایق الحقایق تألیف نایب‌الصدر معصوم علیشاه شیرازی نعمه‌اللهی  
(۱۲۷۰ - ۱۳۴۴ ه.ق) که خود یک دائرةالمعارف سلاسل صوفیه و مسالک عرفانیه  
است، و نخست بار بین سالهای ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۹ ق (در سه مجلد پس از تألیف) بطبع  
رسیده، حُسن ختام را اشعار طبیب قوچانی با همان تخلص «نصرت» به نقل آورده،  
چنان که گوید:

مقرب سبحانی میرزا نصرت خبوشانی قصیده در توصیف این تألیف به  
رشته نظم آورده، بعضی از آن است:

مطلع انوار حق شد روشن از شمس وجود

پرتوش سرتاسر آفاق را یکجا گرفت

پا بر اورنگ پدر بنهاد معصومعلی

منت ایزد را که آخر حق به مرکز جا گرفت

[ص ۷۵۰]

میرزا نصرت، سفری به مازندران نموده (سال ۱۳۱۵ ق) که در ذیل آثار او یاد خواهد شد، اما معصومعلی شاه می‌گوید که «چون سال عمرش به ۶۳ رسید (= ح ۱۳۱۶ ه.ق) مأمور قوچان و حافظ الصحه و وطن مألوفش گردید.» [ص ۶۶۸].

به هر تقدیر، آخرین تاریخی که در حیات وی یاد شده (- یعنی آنچه بنده دیده‌ام): اتحاف نسختی از کتاب حفظ صحه ناصری خودش به فرزندش دکتر سرهنگ عزیزالله خان نصرت، در پایان نسخه بدین عبارت است: «یادگار برای نورچشمی میرزا عزیزالله خان نوشته شد، یوم دوشنبه غره شهر رمضان المبارک سنه ۱۳۲۳. [ص ۹۰].

بسا که دکتر نصرت قوچانی پس از این تاریخ بیش نمانده، شاید که پس از هفتاد سال شمسی، حدود ۱۳۲۵ قمری درگذشته باشد. بیماری مدته العمر این طبیب، چنان که پیشتر گذشت، صداع شقیقه (= میگرن) بود، که از هشت سالگی بدان ابتلا داشته، و برای رفع آن از اواسط عمر تریاک می‌کشیده، و در اواخر مرفین تزریق می‌کرده است. [خمسه ۲، ص ۳۵۶].

از بازماندگان میرزا نصرت قوچانی، چنان‌که از اتحاف نسخه‌ای از کتاب حفظ الصحه به فرزندش، و از اشاره شادروان استاد دکتر نجم‌آبادی بر می‌آید، سرهنگ دکتر عزیزالله خان نصرت (م - ح ۱۳۳۵ ش؟) - طبیب سابق بهداری ارتش و شهرداری که مطب وی در کوچه غربی بیمارستان ابن سینای تهران بوده [امیرکبیر و دارالفنون، ص ۲۱۴ و ۲۱۷]، ظاهراً دکتر «عزت نصرت» - فرزند همین سرهنگ عزیزالله خان باشد که برخی از کتابهای طبی و دستنوشته‌های جدش در جزو نسخه‌های خطی پزشکی دانشگاه بوعلی سینای همدان هست.

## ب. آثار

آنچه معصومعلی شاه یاد کرده که «چندین کتاب تألیف و ترجمه نموده، منجمله عبارت است از:

۱. خمسه ناصری که پنج مقاله طب است، ۲. تشریح فوائد الاعضاء، ۳. امراض و علاج، ۴. جراحی و کحالی، ۵. ادویه، ۶. آفاق و انفس که رسم آن از اسم پیداست، ۷. حافظ الصحه ناصری که علاوه بر حفظ بلدان و انواع و اشخاص از اغلب علوم در آن بیان می‌شود، ۸. شاهنامه ناصری که از اختراعات صناعات عهد این پادشاه به بحر تقارب گفتگو می‌کند، ۹. راحت بعد از رنج که در مقابل «فَرَج بعد

از شدت» نوشته، ۱۰. دیوان قصاید و غزلیات که به سبک عرفا بیان می‌نماید، و چندین رساله در ۱۱. حفظ نفوس و ۱۲. آبله‌کوبی، و غیره نوشته است. [طریق، ۳، ص ۶۶۸ - ۶۶۹].

اما آنچه اینجانب از آثار میرزا نصرت طبیب قوچانی دیده‌ام که تماماً به صورت خطی، و اغلب آنچه در کتابخانه مرکزی دانشگاه بوعلی سینای همدان محفوظ است، دستنوشته خود او باشد، فهرست‌وار برحسب ترتیب تاریخی یاد خواهم کرد؛ شرح توصیفی و مبسوط درباره هر یک از آنها تحت شماره‌های ثبت (در فهرست توصیفی نسخه‌های خطی کتابخانه) خواهد آمد.

۱. دواسازی (ش ۲۹۴)، کتاب‌های دوم و سوم و چهارم، که انجام‌های هر یک از این قرار است:

۱-۱. تمام شد کتاب دوم دواسازی به دست کمترین بنده درگاه، نصرت خراسانی، به تاریخ سیم شهر رجب ۱۲۸۶ در مدرسه مبارکه دارالفنون در ایام امتحان دولتی، در عین اغتشاش حواس و پریشانی خیال (ص ۱۳۵).

۲-۱. تمام شد جلد سیم دواسازی در مدرسه مبارکه دارالفنون به تاریخ ۲۵ محرم ۱۲۸۸ (ص ۳۸۵).

۳-۱. تمام شد جلد چهارم کتاب دواسازی در مدرسه مبارکه دارالفنون به دست کمترین نصرت طبیب، ۱۹ صفر ۱۲۸۸ (با سجع مهر نصرت) و در حاشیه افزوده: احکم الحکماء و افضل الفضلاء عالیجاه استادی آقای آقامیرزا کاظم حکیم طبیعی (ص ۴۱۱).

۲. پاتولوژی (ش ۲۵۴)، آغاز: جلد اول کتاب پات اولوژی که علم به امراض است، انجام: فصل چهارم درآورام... دوران دم، حرره کمترین نصرت خراسانی، شعبان ۱۲۸۶ (با سجع مهر نصرت) (ص ۴۲۱).

۳. تشریح (ش ۲۴۱)، انجام: تمام شد علی‌الحساب تشریح نه قسم عصب [تقریر] عالیجاه مقرب الخاقان استادنا الاعظم دکتر طولزان فرانسوی، به دست کمترین نصرت خراسانی در مدرسه مبارکه دارالفنون در شب پنجشنبه ۱۴ ذی‌قعدة ۱۲۸۶ [ص ۲۸۷] - فصل در بیان اعصاب ربطی، انجام: والسلام، به تاریخ چهارشنبه ۵ محرم ۱۲۹۳ (نصرت) (ص ۳۳۴).

۴. جلاء‌العیون (ش ۲۹۵)، آغاز: اما بعد، چون عالیجاه حکیم پولاک نمسوی که

معلم نخستین طب و جراحی در مدرسه مبارکه دارالفنون بوده، و علوم طبیه و جراحیه فرنگی را به زحمت تمام در ایران منتشر گردانیده... (الخ)، انجام: این بود تفصیلی از علم کحالی طیبی که از برکت خداوند بر بندگان او مفید افتد، تمام شد این رساله کحالی در خدمت ذی رفعت مقرب الخاقان استادی حکیم شلیمر فلمنکی، عصر یوم جمعه ۲۹ شهر رمضان، به دست کمترین نصرت طبیب خراسانی، سنه ۱۲۸۷ (سجع مهر) (ص ۱۳۹).

۵. رساله شیمی، که نسخه خطی آن (مورخ ۱۲۹۲ ق) در کتابخانه عبدالحمید مولوی مشهد (ش ۵۱۵/۱) موجود است. [فهرست منزوی، ۴۲۹/۱].

۶. پاتولوژی (ش ۲۹۱)، جلد دوم، در اورام آلات دوارش دم... (الخ)، انجام: تمام شد در شب سه شنبه ۱۶ ربیع ۱۲۹۳/۱ ق، به دست کمترین نصرت طبیب قوچانی، امید که به دست نااهل گرفتار نشود (ص ۴۳۰).

۷. پاتولوژی (ش ۲۹۲)، کتاب دوم، مسمی به تغییرات دم... انجام: تمام شد نوع دویم امراض فی دوم ربیع ۱۲۹۴/۱ (ص ۲۸)، کتاب سوم، آغاز: بسمله، الکتاب الثالث من کتب العشره من کتاب العلل و الامراض فی الاورام... انجام: تم الکتاب الثالث... فی یوم الاربعاء / ۱۰ صفر ۱۲۹۵ / ویتلوه کتاب الرابع فی نرف الدم (ص ۳۰۹)، کتاب چهارم... (پایان ناتمام) [ص ۱۱۵ جزو]، کتاب پنجم، در تغییر ترشحات غیرطبیعی... (پایان ناتمام) (ص ۱۳۵ جزو).

۸. پاتولوژی (ش ۲۹۳)، کتاب ششم در سموم... انجام: در جراحت ساده معده، دکتر رضا [علی آبادی] مرحوم شد، کتاب ناقص ماند / ۱۲۹۴ / نصرت طبیب (با سجع مهر) - جمع آوری جزوهای این کتاب و اتمام... آن در شب چهارشنبه ۵ ذیقعدہ ۱۲۹۶، قریب ۹ سال مرحوم دکتر تارادر [؟ اسم را محو کرده اند] این کتاب معطل کرد، آخر هم به انجام نرسید (ص ۵۱۶).

۹. حفظ صحت ناصری (ش ۱۹۳)، آغاز: بسمله، حمدله، اما بعد، مدتی بود که بنده جانی نصرت قوچانی در خیال آن بود که در این اواخر عمر تحفه از خود یادگار به روزگار گذارد... (الخ)، انجام: العبد نصرت طبیب قوچانی، شب جمعه ۱۱ ج ۱ / ۱۳۰۷ ق، فارغ گردید از تصنیف این نسخه شریفه موسوم به حفظ الصحة ناصری، که این نسخه را در روز دوشنبه غره رمضان ۱۳۲۳ ق، به فرزندش میرزا عزیزالله خان یادگاری داده است (ص ۹۰). نسخه دیگری از این کتاب، که بایستی نسخه اصل بوده باشد، در

کتابخانه مجلس شورای اسلامی (ش ۲۱۶۸) هست که در آغاز آن، تقریظی به مهر «نیر الملک» (جعفرقلی خان پسر رضاقلی خان هدایت) - وزیر علوم نوشته شده، و در پایان کتاب، مؤلف شرحی از وضع مدرسه دارالفنون (ص ۶۷۹)، فهرستی از پزشکان زمان خود (ص ۶۸۲)، فهرستی از بیماری‌های سالیانه تهران (ص ۶۸۶) نوشته، و هم خواسته است که فهرستی از کتاب‌های ترجمه شده طی مدت چهار سال تأسیس دارالفنون [۱۳۰۸=۱۲۶۸+۴۰] بنویسد، ولی مطلب ناتمام مانده است (ص ۶۸۷). مؤلف تصریح می‌کند که کتاب (حافظ الصحه) را از زبان فرانسه ترجمه کرده، و پس از فهرست مطالب، قصیده‌ای در مدح ناصرالدین شاه و وزیراعظم امین السلطان گفته، که در آن «نصرت» تخلص کرده است [فهرست مجلس، ج ۶، ص ۱۳۵ - ۱۳۶].

۱۰. خمسة ناصری (الف. ش ۱۱۷) که نسخه مسوده کتاب و به خط مؤلف است، آن را به نام ناصرالدین شاه قاجار (کشته ۱۷ ذی‌قعدة ۱۳۱۳ ق) نوشته، که ابتدای تألیف آن دستکم بایستی هم در سال ۱۳۱۳ ق باشد، و اختتام آن در زمان مظفرالدین شاه قاجار، در رمضان ۱۳۱۵ ق بوده است. مؤلف یادداشتی در برگ اول نسخه مسوده نوشته، و طی آن اظهار نموده است که: «در این مجلد پنج رساله است که تعلق به مطب دارد، و طبیب را لازم است که این پنج رساله (= خمسة) را بداند، زیرا که موضوع بدن انسان، و عبارتند از: ۱- علم تشکیل انساج، ۲- علم انساج و آلات، ۳- علم آلات و اعضاء، ۴- علم امراض و طبابت، ۵- علم ادویه یا قراپادین، و افزوده است:

اگرچه مسوده است، ولی اشخاص با اطلاع می‌توانند از روی آن به خط خوش، نسخه‌های خوب بردارند. این کتاب نتیجه علوم پانصد ساله اهل فرنگستان است، و در واقع نتیجه علم شش‌هزار ساله طبابت است. این کتاب، نسخ تمام کتب قدیم را که از عهد ابقراط و جالینوس و شیخ رئیس و محمد زکریای رازی باقی مانده، نموده است. خواص قدر این نسخه را می‌دانند نه عوام، خاصه آنان که طب قدیم و طب جدید را خوانده و دانسته‌اند. نصرت، ۱۳۱۷ (ق)

در این نسخه، و هم در نسخه پاک‌نوشته آن (ب. ش ۱۵۶) رساله‌های پنجگانه (= خمسة) حسب عناوین آنها، چنان‌که ذکر شد، اصلاً متمایز نیستند، و فصل بین مقالات و ابواب مشخص نباشد. نسخه پس از [فصل یازدهم] به عنوان «در مسمومین...» که خصوصیت به پاتولوژی دارد» (ص ۴۹۸)، بدین عبارت پایان می‌پذیرد:



تمام شد جلد سیّم کتاب پاتولوژی به واسطه کمترین نصرت طبیب قوچانی الاصل و طهرانی المسکن که دو جلد پیشتر از او را در طهران ترجمه و انشاء کرده بودم، و بقیه جلد سیّم را در اشرف (بار فروش) مازندران در کمال پریشانی و اغتشاش حواس و تنهایی به اتمام رسانیدم، اگر زندگانی باشد، نسخه هم از معرفت ادویه و طریقه استعمالات آن ترجمه نمایم، آن وقت کتابی می شود کامل، یعنی دارای تمام ملزومات طبیه که عبارت است از: معرفت آنساج آلات بدنیه، و تشریح تمام آنها، و عمل ذاتی هر یک از اعضاء، و امراض واقعه و حادثه در آنها، و ادویه مستعمله در هر یک از آنها بطور استعلاج. به تاریخ یوم چهارشنبه دهم شهر رمضان المبارک سنه ۱۳۱۵، نصرت.» (ص ۵۱۴).

بدین سفر وی به «اشرف» مازندران هم معصومعلی شاه شیرازی چنین اشاره نموده است که جناب آقا میرزا نصرت خان حکیم حافظ الصحّه برحسب مأموریت به آن نقطه مدتی است آمده اند... (و) قصیده در وصف عمارت (شاه صفی) گفته که بعضی از آن است:

به قصر شاه صفی بین و طاق و ایوانش      که تا مدارج اوج سپهر رفته سرش  
... [طریق، ۳/۶۵۶-۵۷]

البته پس از آن، رساله پنجم کتاب که همان «علم ادویه / قرابادین» باشد، در ۶۱ صفحه (جداشمار) دیگر نوشته آمده است. ولی اطلاق «جلد سیّم کتاب پاتولوژی» که در نسخه پاکنوشته «ترجمه از کتاب دکتر دیولافوا» ذکر نموده، و این که «دو جلد آن را پیشتر در طهران ترجمه و انشاء کرده»، حاکی از آن است که کتاب خمسّه ناصری تألیفی است نامرتّب و غیرمبوّب از مقالات کتاب‌هایی که قبلاً از فرانسه به فارسی ترجمه کرده بوده است. آغاز: مقدمه - بر ارباب علوم و اصحاب صنایع پوشیده و پنهان نیست که علم و عمل و صنعت و هنر را اندازه نخواهد بود...، انجام: بوره ارمنی - این دوا را... در چند دفعه تکرار عمل شفا حاصل شود به شرطی که مرض مزاجی ترکیب با آن نشده باشد (ص ۶۱۶). نستعلیق شکسته مؤلف که پس از آن، فهرست مطالب کتاب را در ۴ برگ نوشته، آنگاه بخشی از یک گفتار در باب جمعیت‌شناسی - که ترجمه از فرانسه است (به تاریخ چهارشنبه ۴ شوال ۱۳۰۸ ق) در ۴ برگ دیگر با صفحه شمار (از ۴۵۶ تا ۴۶۰) که پیداست جزوی از مسوده کتابی دیگر بوده، در پایان نسخه بدان الحاق نموده، که صحافی شده است.

(ب. ش ۱۵۶)، همان نسخه پاکنوشته از روی نسخه مسوده (الف. ش ۱۱۷) است، که کتابت فقره دوم آن (- تشریح مختصر) را در ۲۶ ع ۱ / ۱۳۱۴ پایان برده (ص ۱۶۲) و در خاتمه الكتاب گوید:

بنده کمترین نصرت طبیب این کتاب را پس از سی و شش سال تجربه علمی و عملی (از ۱۲۸۰=۳۶-۱۳۱۶) برای اولاد خود نوشت... به تاریخ دوم شهر ذیحجه ۱۳۱۶ (ص ۶۷۰).

یادداشت مقدمه مؤلف در این نسخه، شامل ذکر اسامی استادان اوست (به تاریخ ۱۳۱۷ و اضافتی به تاریخ ۱۳۲۰ ق) که در فهرست توصیفی بشرح خواهد آمد.